

موسیقی برای جلال خدا

روبرت آسیریان

... اصوات گویی به این جهان تعلق ندارند؛ آنها به چشمه‌ای آسمانی می‌مانند که ما را در جذبه‌ای وصف‌ناپذیر، از خود بیخود می‌کنند. ترکیب عاشقانه این اصوات چه بی‌رحمانه قلب ما را می‌درد و پاک‌ترین و اصیل‌ترین عواطفمان را به روشنایی خود آگاهیمان می‌آورند، عواطفی که همواره در ما می‌زیند اما گویی هیچوقت از وجودشان آگاه نبوده‌ایم. برخی از نواها چنان حزن تحمل‌ناپذیری را در جانمان می‌ریزند که به یاری هزاران اشک هم نمی‌توانیم از زیر بار آن خلاصی یابیم. اما هنگامی که این حزن را در درونمان می‌گوایم، بیکباره به چنان شادی بی‌حد و حصری تبدیل می‌شود که به یاری هیچ خنده‌ای قادر به بیان آن نیستیم. این اصوات ما را در برابر تصویری چنان شکوهمند از جلال الهی قرار می‌دهند که گاه خود را ناتوان از مشارکت در تجربه‌ای می‌بینیم که انعکاس تلطیف شده رویت جلال الهی در ابعاد گوناگون هستی بشری می‌باشد.

این اصوات چنان مرزهای هستی محدود بشری ما را گسترش می‌دهند و ما را از چنان عواطف غنی و پاکی آکنده می‌سازند که پس از فراغت از گوش سپردن به آنها، بازگشت به ساحت حیات عادی برایمان دشوار می‌نماید. ما که لحظه‌ای در فضاها روحانی و ملکوتی تنفس کرده‌ایم، تنفس در این هوای آکنده از میانمایی را به شکل تحمل‌ناپذیری ملال آور می‌یابیم...

آنجا که کلام باز می‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود... و به‌راستی چگونه می‌توان تجربه‌ای را که با شنیدن موسیقی باخ به انسان دست می‌دهد، با کلام توصیف نمود، و یا به تبیین و تشریح عواطف و احساساتی که در موسیقی او موج می‌زند پرداخت. بدون شک یوهان سباستیان باخ یکی از بزرگترین آهنگسازان تمام دورانها می‌باشد و به اعتقاد برخی، بزرگترین آهنگساز همه دورانها. اکثر آثار باخ آثاری مذهبی هستند و او بزرگترین شاهکارهای خود را در قالب موسیقی مذهبی و فرمهای موسیقی کلیسایی خلق نمود. آثار او را می‌توان به یک معنی بزرگترین شاهکارهای موسیقی مذهبی محسوب نمود. وی برای بیان عواطف و ایمان مذهبی‌اش همه فرمهای موسیقی مذهبی عصر خود را به خدمت گرفت و کمالی دست نیافتنی به آنها بخشید. آثار باخ را می‌توان الهیات جنبش پروتستان

دانست که در قالب موسیقی ریخته شده است. لوتر خود به موسیقی اهمیت زیادی می‌داد و سرودهای بسیاری برای پرستش کلیسایی سرود. یکی از محققین کاتولیک می‌نویسد: "سرودهای لوتر بیشتر از موعظه‌های وی باعث گرویدن اشخاص به آیین پروتستان می‌شد."

از همان آغاز جنبش پروتستان، آن نقشی را که نقاشی در کلیسای کاتولیک داشت، موسیقی پروتستان در غیاب شمایلها و نقاشی‌های پر شکوه بر عهده گرفت. بدینسان موسیقی پروتستان با هنر نقاشی کاتولیک به رقابت برخاست. این نقش محوری موسیقی در کلیسای پروتستان با آثار باخ به اوج خود رسید.

موسیقی باخ ترجمان بی‌واسطه تجربه مذهبی عمیق او در درک عظمت و جلال خدا و عملکرد شکوهمند فیض الهی در شرایط دردآلود و اسارت‌بار هستی بشری می‌باشد. بخصوص در آثار او مفهوم مرگ و احساسات و عواطف مرتبط با آن و بیم و هراسهایی که از آن منفک ناشدنی‌اند، بارها و بارها آشکار می‌شوند. اما وی با نگرستن به رستاخیز شکوهمند مسیح، همواره پاسخ ایمان را در برابر مرگ مطرح می‌سازد. خود او در ۹ سالگی ابتدا مادر و سپس پدرش را از دست داد. تجربه مرگ عزیزانش در این سن تأثیر، ناگواری بر او بر جای گذاشت. در بسیاری از آثار او سایه مرگ، و هراس و دهشت ناشی از آن بر کل اثر سایه افکنده‌اند. اما همواره تسلی و آرامشی الهی در پس‌زمینه فضای حزن‌آلود این آثار دیده می‌شود و همواره پایانی پیروزمند و امیددی شکست‌ناپذیر در انتهای آنها نمایان می‌شود که وعده حیات پس از مرگ را با اطمینان به شنونده گوشزد می‌نماید. در کورال "همه انسانها باید بمیرند" و "ای مرگ شیرین بیا" موسیقی باخ چنین فضایی دارد.

در آثار او ژرفای عواطف روحانی با رنج‌ها، آلام، یأس‌ها، ناکامی‌ها، هراس‌ها، سرخوردگی‌ها، امیدها، عشق‌ها، دل‌بستگی‌ها و خاطرات شیرین پیوند می‌یابد و باخ در چشم‌اندازی روحانی به تأمل در هستی بشری می‌نشیند. باخ موسیقی را هدیه‌ای به خدا می‌داند و آن را چنین تعریف می‌کند: "یک هارمونی خوشایند برای جلال خدا و شادمانی مجاز روح". او قبل از شروع به تصنیف هر اثری، دعایش این بود که "عیسی مرا یاری بده". در تمامی آثارش ایمان عمیق مذهبی او را می‌توان مشاهده نمود. یکی از زیباترین آثار باخ "پاسیون متی" می‌باشد که در آن رنج‌ها و آلام مسیح خداوند در هنگام مصلوب

شدن در قالب فرم پاسیون که یکی از فرمهای موسیقی مذهبی است، بیان می‌شود. این اثر یکی از شاهکارهای مطلق باخ و کل تاریخ موسیقی محسوب می‌شود. وی در حدود سیصد کانتات برای اجرا در مراسم کلیسایی تصنیف نمود که هر یکشنبه در مراسم پرستشی کلیساهای لوتری شهر لایپزیگ اجرا می‌شد.

کانتاتهای باخ نیز از شاهکارهای موسیقی آوازی محسوب می‌شوند. باخ نوازنده بسیار ماهری نیز بود و سازهای بسیاری را می‌نواخت. اما مهارت او در نوازندگی ارگ زبان زد بود. او مدتی نوازنده ارگ در کلیساهای مختلف بود. او آثار بسیاری برای ساز ارگ تصنیف نمود که شاهکارهایی بی‌بدیل محسوب می‌شوند. در آثار او نیز که برای ارگ تصنیف شده‌اند، می‌توان ویژگی‌های آثار دیگر او را مشاهده نمود که مشحون از عواطف عمیق مذهبی هستند. از آثار معروف او در زمینه موسیقی ارگ می‌توان به "توکاتو و فوک در ر مینور" و "پاساکالیا و فوک" اشاره نمود.

باخ در طول زندگی خود آثار بسیاری تصنیف نمود و طبع آفرینشگر او لحظه‌ای از آفرینش و تصنیف باز نمی‌ماند. او پیوسته در حال آفرینش آثار گوناگون سازی و آوازی بود. بسیاری از آثار باخ امروزه در دسترس ما نیستند و از میان رفته‌اند. اما حجم عمده آثار او از گزند آسیب زمانی مصون باقی مانده است و امروزه در حدود ۱۵۰۰ اثر از او در دست می‌باشد.

گوش سپردن به موسیقی باخ تجربه‌ای فراموش نشدنی است. شاید برای کسانی که آشنایی چندانی با موسیقی علمی و کلاسیک ندارند، گوش سپردن به آثار باخ که مشحون از پیچیدگی‌های تکنیکی و هنرنمایی‌های ظریف و گیج‌کننده است، تجربه‌ای غریب و نامأنوس باشد. اما با کمی صبر و حوصله و آشنایی‌های مقدماتی با موسیقی علمی، می‌توان گنجینه‌ای دست یافت که ما را در تجربه‌ای شگرف و فراموش نشدنی شریک می‌سازد. اگر مشتاق آشنا شدن با یکی از بزرگترین مفاخر هنر مسیحی هستید و مایلید بزرگترین مصنف موسیقی مذهبی جهان را بشناسید، این رنج را بر خود هموار کنید. مطمئناً پشیمان نخواهید شد.